

رهبر انقلاب در سخنرانی زنده تلویزیونی با اشاره به اتفاقات روزهای اخیر در ایالات متحده:

# آمریکا مسخره دنیا شده است

- ایران عجله‌ای برای بازگشت آمریکا به برجام ندارد، مطالبه منطقی مافع تحریم‌هاست که این وظیفه آمریکا و رویای‌های دنباله‌رو آن است
- منطق حضور منطقه‌ای ایران، تقویت دوستان و طرفداران جمهوری اسلامی است، این حضور قطعی است و باید وجود داشته باشد و خواهد داشت
- نظام جمهوری اسلامی حق ندارد وضع دفاعی کشور را جواری قرار بدهد که یک آدم بی‌عرضه‌ای مثل صدام بتواند شهر تهران را بمباران کند



صفحه ۵



## کنگره از شرم فروریخت

شورش ششم ژانویه واشنگتن چنان ضربه‌ای به حیثیت آمریکا وارد کرد که صاحب‌منصبان همیشه حق به جانب آن را به ابراز شرمساری واداشت

روزنامه صبح ایران

# وطن امروز

شماره ۲۰ دی ۱۳۹۹ | ۲۵ جمادی الاول ۱۴۴۲ | سال سی و نهم | شماره ۳۱۱۹ | صفحه ۵ | تهران

WATAN-EMROOZ | NO.3119 | SAT JAN.09.2021 | ISSN:2008-2886

# خانه خراب

**جو بایدن:** حمله‌کنندگان به کنگره ارادل و اوباش و تروریست هستند

**ریچارد هاس:** عصر پسا آمریکا آغاز شد

**میخائیل گورباچف:** عزت‌انویه سر نوشت آمریکا راز بر سؤال برد

**علی شمخانی:** پاسخ افرادی که در ایران از مذاکره و توافق با این دیوانه (ترامپ) سخن می‌گفتند چیست؟

**کنایه به روحانی و ظریف**

**آنچه آمریکایی‌ها در فتنه سال ۸۸ برای ایران تجویز کردند، چهارشنبه شب در واشنگتن تجربه کردند**

**فتنه ۸۸، کارمای ۹۹**

**ایدئولوژی‌های ضدنژادپرستی و ملی‌گرایی در آمریکا به یک جنبش ضدسیستم تبدیل شده است**

**عفونت دمل‌های جامعه آمریکا**

پرونده ویژه «وطن امروز» درباره حمله طرفداران ترامپ به کنگره رادر صفحات ۱، ۲، ۵، ۷ بخوانید

## بایدن و یک دولت در مانده

شبهات هر ۲ کشور به هم در نوع مواجهه با مردم، شکاف اجتماعی و دموکراسی سست و شکننده این کشورهاست. در نهایت اینکه باوجود تمام کشمکش‌ها، دونالد ترامپ پذیرفته است قدرت را به رقیب خود واگذارد اما این سوالات همچنان برای مردم جهان پابرجاست: آیا آمریکا در حال حاضر و دوران پساترانب اعتبار و اقتدار لازم را در دنیا خواهد داشت؟ دولت بایدن به عنوان دولتی ضعیف که بسیاری از مردم آمریکا بر این باورند با تقبل به قدرت رسیده، می‌تواند اقتداری از خود نشان دهد و برنامه‌های مورد نظرش را اجرایی کند؟ آیا دولت بایدن می‌تواند به عنوان دولتی که پشتوانه دموکراتیک و مردمی دارد، در جهان شناخته شود و به عنوان نماینده یک کشور قدرتمند و مقتدر شناخته می‌شود یا به عنوان نماینده کشوری چندپاره، از هم گسیخته و بحرانی؟ در بحث سیاست خارجی، اگر این دولت بخواهد اقدامی در هر جای دنیا انجام دهد، می‌تواند ادعا کند روی وعده‌های خود می‌ایستد یا تضعیف‌نهادهای سیاسی و بی‌اعتمادی مردم این کشور به سیستم و ساختارهای سیاسی آن در دوره‌های بعدی انتخابات، موجب می‌شود دوباره افرادی مانند ترامپ را برای ریاست‌جمهوری خود بیستند؟

حضور دوباره ترامپ در انتخابات سال ۲۰۲۴ شده، او را از محل توجه رسانه‌ها دور سازند یا به قول آمریکایی‌ها در «تاریکی فروبرند» یا حتی سعی کنند با هر اقدام دیگری حافظه مردم را از این اتفاق پاک کنند اما نکته اصلی اینجاست که روندهای اجتماعی، شکاف اجتماعی و سیاسی درون آمریکا، اختلاف طبقاتی و مشکلات اقتصادی مانع این فراموشی می‌شود و به احتمال زیاد در انتخابات ۲۰۲۴، دموکرات‌ها باز هم باید با تفکر ترامپ‌پس که حالا بخوبی قدرت خود را در جامعه سیاسی آمریکا به نمایش گذاشته است وارد جنگ شوند.

اما این مساله هم تمام مشکلات آمریکا در سال‌های آینده را توصیف نمی‌کند. مهم‌ترین مشکلی که ایالات متحده در سال‌های آینده با آن روبرو خواهد بود، تضعیف و افول این کشور از منظر سیاسی در جامعه بین‌الملل است. شبکه الجزیره روز گذشته گفت‌وگوی جالبی را با مردم در خیابان‌های کابل انجام داده و نظر آنها را راجع به اتفاقات چهارشنبه‌شب کنگره آمریکا جويا شده بود. بسیاری از آنها بیان می‌کردند به عنوان مردم کشوری که بعد از سال‌ها تلاش هنوز هم به دموکراسی - از آن نوعی که مدنظر آمریکا بود- دست پیدا نکرده‌اند، هرگز گمان نمی‌کردند ساختار سیاسی آمریکا و دموکراسی این کشور تا بدین حد شکننده و سست باشد. یکی از این افراد بیان می‌کرد نمی‌دانستم در آمریکا هم شرایط و فضای سیاسی مانند افغانستان است. افغانستان از این منظر دارای اهمیت است که هم نمونه بارزی از سیاست آمریکایی «بردن دموکراسی به جهان سوم با زور» است و هم یکی از نویاترین و مشکل‌دارترین سیستم‌های سیاسی جهان. مساله جالب توجه

تمدن سیاسی غرب است؛ دموکراسی‌ای که برای گستردن آن در جهان، خون میلیون‌ها انسان بی‌گناه ریخته شده و همواره به عنوان محک و معیار اصلی در جهت تشخیص «دنیای آزاد» با غیر آن مورد بررسی قرار می‌گرفته است. نماد دموکراسی در آمریکا زمانی توسط نیروهای ارتش انگلیس مورد حمله قرار گرفته بود و حالا توسط مردم خود این کشور و این نشان‌دهنده بی‌اعتمادی عمیق مردم به این دموکراسی و حتی زوال این دموکراسی است. اگر چه رسانه‌های آمریکایی از ۲ روز پیش تا حالا بر طبل استیضاح یا برکناری ترامپ می‌کوبند و خواهان برخورد شدید با او هستند اما نظرسنجی‌های مردمی که بلافاصله بعد از این حادثه صورت گرفته، نشان می‌دهد تنها ۱۵ درصد مردم از محاکمه ترامپ یا برکناری او حمایت می‌کنند و این نشان‌دهنده بی‌اعتمادی شدید به ساختارها و نهادها در آمریکاست.

جو بایدن در همان زمانی که معترضان مشغول غارت و از بین بردن وسایل درون کنگره بودند، با ظاهری آرام در مقابل دوربین‌های تلویزیونی ظاهر شد تا بگوید می‌خواهد مرهمی بر شکاف اجتماعی موجود در آمریکا، بی‌اعتمادی مردم به ساختارها و نهادهای سیاسی و انتظامی و در نهایت رئیس‌جمهوری برای همه مردم آمریکا باشد اما همین ناکارآمدی نهادهای سیاسی در داخل آمریکا بود که سال ۲۰۱۶ موجب روی کار آمدن و رای آوری شخصی مانند ترامپ شد و هنوز هم حدود ۷۳ میلیون نفر از مردم آمریکا بر این باورند باید او یا فردی مانند او که به معنای واقعی «عناصری بیرونی» در دستگاه سیاسی آمریکا هستند، حمایت شود. دموکرات‌ها و رسانه‌های آمریکایی حالا سعی دارند با توسل به این اتفاق مانع

آمریکا شده‌اند که بیان کرده است در صورتی که رئیس‌جمهور توانایی لازم برای اداره کشور را نداشته باشد یا دچار بیماری و دیوانگی شده باشد، کنگره می‌تواند با رأی دوسوم اعضای خود رای به برکناری سریع او از قدرت بدهد. اما این تمام ماجرا نیست. تأثیری که این اتفاق بر جریان‌های سیاسی، هیمنه آمریکا در دنیا، سیاست داخلی و حتی سیاست خارجی این کشور می‌گذارد، بسیار بالاتر و عمیق‌تر از اتفاقات و اظهارنظرهایی است که این روزها مطرح می‌شود.

اولین تأثیری که این اتفاق بر دنیا می‌گذارد، افول جایگاه و هیمنه آمریکا به‌عنوان کشوری که مدعی داشتن «قدیمی‌ترین دموکراسی جهان» است، در کل دنیاست. کشورهای غربی که آمریکا را مهد تمدن نوین و دموکراسی سیاسی می‌دانند به همین دلیل به‌سرعت وارد میدان شده و درباره اتفاقات رخ داده در این کشور ابراز نگرانی کردند. رهبران کشورهای غربی مانند رئیس‌جمهور فرانسه ترجیح دادند این بار نه به زبان کشور خود، بلکه به زبان انگلیسی از نگرانی‌های‌شان برای اروپایی تصویر آمریکا در جهان و در بین ملل کشورهای مختلف صحبت کنند و خواستار آرامش مردم و منتقدان و مخالفان شده و بیان کنند ساختارها و نهادهای دموکراتیک در آمریکا نباید مورد حمله قرار بگیرند و همان ظاهری که از دموکراسی آمریکایی نیز باقی‌مانده نباید از بین برود. مساله مورد نگرانی افرادی مانند مکرون یا بوریس جانسون یا حتی انگلار مرکل و دیگر رهبران دنیای غرب، نه آشوب و اغتشاش در قلب پایتخت کشور آمریکا به معنای ایالات متحده با تاریخ ۳۰۰ ساله، بلکه فروپاشی تصویر دموکراسی غربی یا حتی

**یادداشت**

**نمانه اکوان:** حوادث چهارشنبه‌شب آمریکا و اشغال کنگره به دست نیروهای حامی ترامپ اتفاقی نیست که بتوان به آسانی از کنار آن گذشت. در اصل تمام اتفاقات رخ داده در طول انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ به نوعی در تاریخ آمریکا ماندگار شده‌اند که این کشور را برای سال‌ها بعد در جهان به عنوان درس عبرت برای سایر دولت‌ها و کشورهایی که گمان می‌کنند در آنها دموکراسی برقرار است، تبدیل می‌کند. در طول تاریخ ایالات متحده این دومین بار است که کنگره مورد حمله قرار گرفته و توسط عده‌ای تسخیر می‌شود. نکته جالب اما این است که نخستین مرتبه آن در زمان جنگ استقلال آمریکا و زمانی بوده است که نیروهای انگلیسی به ساختمان حمله کرده‌اند یعنی حمله از سوی یک نیروی خارجی در داخل خاک آمریکا طی ۲ روز گذشته بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی آمریکا از این اقدام انتقاد کرده و خواهان برخورد قاطع با رئیس‌جمهور مستقر به دلیل تحریک طرفدارانش به این اقدام شده‌اند. آنها - از جمله جو بایدن رئیس‌جمهور منتخب آمریکا - این عده را گروهی تروریست در داخل آمریکا نامیده‌اند که امنیت ملی این کشور را تهدید کرده‌اند. تبعات این اقدام برای ترامپ نیز ناخوشایند بوده است. او که بارها اعلام کرده بود تا آخرین لحظه نیز از ادعای خود مبنی بر وقوع تقلب در انتخابات دست نمی‌کشد، حالا مجبور شده شکست را بپذیرد و اعلام کند اولویت دولتش در طول ۱۰ روز باقی‌مانده تا روز مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری جدید، انتقال آرام قدرت به تیم جدید است. رسانه‌ها و مخالفان ترامپ اما این را کافی نمی‌دانند و خواهان برکناری او از طریق توسل به اصلاحیه ۲۵ قانون اساسی